

## عنوان مقاله:

سیاستگذاری تغییر رفتار به منظور توانمندسازی شهروندان؛ رویکردی ضروری در راستای تحقق اهداف کلان دولتی

## محل انتشار:

فصلنامه دولت پژوهی، دوره 7، شماره 27 (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 29

## نویسنده:

حسین شیرازی - دکتری سیاستگذاری عمومی دانشگاه تهران، تهران، ایران

## خلاصه مقاله:

اگرچه تصور غالب از مسئولیت دولت در امر سیاستگذاری در حوزه های مختلف، تعیین سیاست های بالادستی و ریل گذاری جهت رسیدن به اهداف تعیین شده است، اما آنچه کمتر مورد توجه قرار می گیرد، اهمیت ترغیب مردم به مشارکت و برانگیختن حس مسئولیت فردی در رسیدن به اهداف کلان سیاستی می باشد. در واقع رسیدن به بسیاری از اهداف سیاستگذاری جز با مسئولیت پذیری فردی شهروندان میسر نیست (و یا دست کم از مسیری کارآمد نمی گذرد). اما دولت چگونه می تواند مشارکت شهروندان را ارتقا داده و زمینه مسئولیت پذیری آنها را در جهت تحقق اهداف سیاستی فراهم سازد؟ این پژوهش استدلال می نماید که برای این منظور دولت، ناگزیر از توانمندسازی شهروندان خواهد بود. شهروندان توانمند در شرایط مختلف، توان و تمایل به اتخاذ تصمیمات بهینه ای را دارند که منجر به بهبود کیفیت زندگی خود و جامعه می گردد. از این رو مقاله، نقش سیاستگذاری تغییر رفتار را کلیدی می داند. سیاستگذاری تغییر رفتار به مداخلات دولت در زمینه توانمند ساختن شهروندان و انجام مشارکت توسط آنان اشاره دارد. سیاستگذاری تغییر رفتار با تاثیرگذاری بر باور، آگاهی و رفتار شهروندان، آن ها را با سیاست های کلان دولت همسو می نماید. بنابراین مقاله حاضر چنین استدلال می نماید که سیاستگذاری تغییر رفتار با توانمند ساختن شهروندان، زمینه مسئولیت پذیری آنان را در مسیر تحقق اهداف سیاستی کلان فراهم می سازد. از این رو لازم است که دولت علاوه بر سیاستگذاری های کلان در هر حوزه، سیاستگذاری تغییر رفتار برای همراه کردن مردم با اهداف آن حوزه را در دستورکار داشته باشد. در مداخلات تغییر رفتار تاکید می گردد که فرد بر مبنای تحلیل هزینه فایده عمل می نماید. از این رو در این پژوهش رهیافت انتخاب عقلایی بعنوان چارچوب نظری مورد توجه قرار گرفته است.

## کلمات کلیدی:

مشارکت شهروندی، مسئولیت فردی، توانمندسازی، سیاستگذاری تغییر رفتار، انتخاب عقلایی

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1363106>

